

معاون سازمان ثبت اسناد اخیراً گفته که «می‌خواستیم فرودگاه مهر آباد را تثبیت مالکیت کنیم که در روند کاری به حکم یک قاضی رسیدیم. بر اساس یک سند عادی، ادعایی بر بخشی از زمین فرودگاه شده‌بود» او ادامه می‌دهد که «قاضی حکم داده‌بود که سند رسمی فرودگاه باید به نام دولت صادر شود و چون فرآیند مالکیت آن طی شده، سند مالکیت فرودگاه مهر آباد قابل ابطال نیست، ولی با کارشناسی‌های رسمی، خسارت وارده به شخص مدعی پرداخت شود!» این اظهارات در مورد مشکل ایجاد شده مدعی سند رسمی در فرودگاه مهر آباد در شرایطی بیان می‌شود که قانونی بی‌اعتباری معاملات ام‌وال غیرمنقول با استناد عادی، پس از مدت‌ها رفت و برگشت بین مجلس و شورای نگهبان برای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت رفته‌است. در گفت‌وگوی «جوان» با عبدالرحمن رامشبی، مدیر کل اسبق ثبت اسناد و املاک استان تهران و خراسان رضوی دلیل ایجاد چنین مشکلاتی بررسی و در مورد راه‌حل‌های آنها چاره‌جویی شده‌است.

■ ■ ■

چگونه یک سند عادی می‌تواند برای سند رسمی فرودگاه مهر آباد مشکل ایجاد کند؟

اصلاً سند عادی در برابر سند رسمی قابل قبول نیست، اینکه آقای سعادتیان، معاون سازمان ثبت اسناد می‌فرماند کارشناسی هم انجام شده و هزینه آن به شخص پرداخت شود، از نظر قانونی ایراد دارد؛ مگر می‌شود سند رسمی در برابر سند عادی محکوم شود. روال قانونی سند رسمی طی ادعا باید در محاکم قضایی بررسی و منجر به ابطال سند رسمی شود و بعد سند رسمی به نام وی صادر شود. فرض کنید فردی با سند عادی که داشته حکم دادگاه را بگیرد، در این شرایط روال قانونی برای ثبت سند عادی باید طی شود؛ یعنی سند رسمی که دولت یا هر شخصی مقابل آن داشته باید باطل و مراحل ثبت آن سند عادی باید طی شود، یعنی آگهی‌های نوبتی منتشر شود و باقی مراحل طی شود. حال اگر ادعایی نسبت به آن شده و سند مالکیت برای آن صادر شد، حق انتقال ملک را هم دارد.

این مثال سند فرودگاه مهر آباد شاید یک نمونه از بی‌شمار مشکلاتی باشد که اسناد عادی ایجاد کرده‌است، از سوی دیگر رهبر انقلاب اخیراً تأکید داشتند که تکلیف اسناد عادی معلوم شود و مصوبه مجلس در این خصوص هنوز در مجمع تشخیص مصلحت در دست بررسی است، در این شرایط باید چه کاری انجام شود تا این مشکل زودتر حل شود؟

منظور سازمان ثبت یا مراجع دیگری که تأکید داشتند اسناد عادی را به نحوی ترتیب اثر دهند که به سند رسمی تبدیل شود اراضی و املاک فاقد سند یا دارای سند عادی است که مراحل ثبت آنها طولانی است؛ مثلاً آگهی نوبتی آن ۹۰ روزه است که مدت زیادی بود. در نتیجه قرار بر این بود که این اسناد عادی را به سند رسمی تبدیل و زمان مدت آگاهی را کمتر کنیم تا سریع‌تر سند مالکیت این املاک صادر شود، نه اینکه سند مالکیت صادر شده با یک سند عادی هم متزلزل شود و شمایه که سند رسمی دارد باید با یک سند عادی به مشکل بخورد. منظور قانونگذار، اسناد عادی در املاکی است که فاقد سابقه ثبت هستند و نظر این بود که کل املاک کشور به نوعی سند داشته باشد که از تجاوز و تعارض مصون بمانند.

خب این روندی که الان وجود دارد که با قولنامه و اسناد عادی خرید و فروش انجام می‌شود، چقدر قانونی است و اگر اسناد عادی باطل شوند چه تحولاتی در بخش اسناد ایجاد می‌شود.

اگر ملک سابقه ثبت دارد، مطلقاً نباید با سند عادی معامله شود و باید حتماً در چار چوب مقررات ثبتی و حقوقی سند مالکیت انتقال داده شود. سند مالکیت رسمی تکبرگ این املاک فقط باید از طریق دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت صادر شود، ولی اگر ملکی سابقه ثبت نداشته‌باشد و به صورت عادی معامله انجام شود، مالک فعلی می‌تواند تقاضا کند که سند مالکیت آن راثبت کند.

بالاخره الان املاکی که سند رسمی دارند هم قولنامه می‌شوند و در خیلی از موارد همین قولنامه‌ها منجر به

جامعه

سرویس اجتماعی | ۶۰۰۸۵۲۳

در گفت وگوی «جوان» با مدیر کل اسبق ثبت اسناد و املاک تهران مطرح شد

حذف عجلانه اسناد عادی، باندهای جعل سند را روی کار می‌آورد



تشکیل پرونده‌های قضایی می‌شود.

بله روندی که الان موجود است، همین است که مالک سند رسمی به دست دار، ولی عده‌ای دیگر که متفرق هستند یا با سندسازی و کاغذهای عادی می‌آیند تقاضای سند می‌کنند و از طریق قانون‌های تعیین تکلیف املاک فاقد سند می‌توانند اقدام کنند، ولی به نظر بنده اگر ملک ثبت شده‌باشد، تنها راه این است که از طریق دفاتر اسناد رسمی، انتقال رسمی انجام شود، نه اینکه با یک کاغذ عادی بیایند دنبال انتقال سند باشند. وقتی سند یک کاغذ عادی است مستندات آن هم خیلی محکم نیست و هر کسی می‌تواند در این موضوع کلاهبرداری کند. وقتی سند رسمی نیست در محاکم قضایی هم با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

یعنی اگر فردی ادعا کند من این ملکی را که سند رسمی دارم، با اسناد عادی خریدم، در محاکم ادعای آورد می‌شود؟ الان روندی که در محاکم وجود دارد، اینگونه نیست.

اگر با سند عادی خرید انجام دهد و ملک هم ثبت شده‌باشد، دسترسی به مالک نداشته‌باشد، قانون تعیین تکلیف وجود دارد و در هیئتی متشکل از رئیس ثبت، قاضی، نماینده جهاد کشاورزی و نماینده راه و شهرسازی به موضوع رسیدگی می‌شود و رأی برای مالکیت متقاضی صادر می‌شود، ولی اگر به مالک دسترسی داشته‌باشد و مالک حاضر باشد، باید به دفاتر اسناد رسمی جهت انتقال مراجعه کند.

گفته می‌شود که حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد پرونده‌های قوه قضائیه مربوط به همین اسناد عادی است حالا…

این آمار ۳۰ تا ۴۰ درصد مربوط به سال ۹۵ و ۹۶ است، ولی بعد از صدور سند مالکیت تکبرگ و کاداستر کردن املاکی که سند مالکیت آنها صادر شده خیلی از پرونده‌های محاکم به این دلیل نسبت به حوزه ثبت املاک کمتر شده‌است.

شما تخمین می‌زنید چقدر شده‌است؟

آمار دقیقی ندارم، ولی در مصاحبه‌هایی که مقامات قضایی انجام داده‌اند و حتی ریاست سازمان ثبت هم اخیراً عنوان کرده‌بود، خیلی کمتر از قبل شده و آن آمار ۳۰ یا ۴۰ درصدی که اعلام می‌شد، مربوط به دهه ۹۰ مخصوصاً از سال ۹۵ به قبل بوده‌است. بعد از آنکه ما سیستم ثبت الکترونیکی سند مالکیت تکبرگ و شمیم (شبکه موقعیت‌یابی یکپارچه ملی که مالکیت‌ها) کردن نقشه‌ها را در کاداستر داشتیم، اختلافات ملکی خیلی کمتر شد و البته توجه مردم هم به اهمیت سند تکبرگ بیشتر شده و بسیاری از اسناد دفتر چهای تبدیل به اسناد تکبرگ شده‌اند.

اصلاً بحث کاداستر چقدر عملیاتی شده و آیا الان کاداستر تمام زمین‌های کشور انجام شده‌است؟

در سند مالکیت‌هایی که از اواخر دهه ۹۰ تا الان صادر شده همه به شکل شمیم بوده و موقعیت ملک رسماً در سند تکبرگ ذکر شده، بنابراین

اسنادی که سند مالکیت آنها شمیم‌شده کاداستر شده‌است، همچنین ما نقشه کاداستر همه شهرها را هم داریم، البته ممکن است به‌روزرسی نشده‌باشد، ولی کاداستر کل شهر آماده شده‌است. در مورد اراضی ملی بیش از ۹۶ درصد کاداستر عملیات شده و سند تکبرگ اراضی ملی

دولت با نمایندگی سازمان جنگل‌ها صادر شده‌است. در مورد اراضی کشاورزی هم از سال گذشته شروع شده و حدود ۳۰ درصد اراضی کشاورزی دارای نقشه کاداستر شده‌اند و اسناد تکبرگ آنها صادر شده‌است. مجموعاً شاید بیش از ۹۰ درصد نقشه‌های کاداستر شهرها و اراضی ملی آماده شده و براساس آن نقشه‌ها، کارهای ثبتی در حال انجام است.

خب با توجه به این اتفاقات، گفته می‌شود اگر نقشه‌های کاداستر کل کشور را هم آماده کنیم، خیلی از املاک هنوز سند مشخصی ندارند. اصلاً چند درصد از املاک و اموال غیرمنقولی که داریم سند رسمی تک‌برگ یا دفتر چهای دارند و چند درصد با قولنامه نقل و انتقال شده‌اند؟

در شهرهای بزرگ اکثر املاک سند مالکیت و تکبرگ دارند، البته سازمان ثبت قلم‌با می‌خواست سیاستی را تصویب کند که تمام املاکی که دفتر چهای هستند تکبرگ شوند، ولی با توجه به کمبود امکانات و پرسنل گفتند املاکی که مورد معامله قرار می‌گیرد تک‌برگ شود، یعنی اگر شما ملکی داشته‌باشید که دفتر چهای است باید برای انجام معامله آن را تکبرگ کنید، در زمان انجام معامله تک‌برگ می‌شود و سند مالکیت جدید به نام خریدار به شکل تکبرگ صادر می‌شود. البته نمی‌دانم چند درصد از املاک ثبت‌شده ولی از آنهایی که ثبت‌شده شاید بیش از ۵۰ درصد تکبرگ شده‌باشند.

منتقدان طرح بی‌اعتباری اسناد عادی را مطرح می‌کنند که اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم، یک دفعه با حجم زیادی از املاک روبه‌رو می‌شویم که سند تک‌برگ یا دفتر چهای ندارند و فقط با قولنامه دست به دست شده‌اند، حال به نظر شما اگر قرار باشد اسناد عادی بی‌اعتبار شود، این املاک چه وضعیتی پیدا خواهند کرد؟

اگر بخواهیم به یکباره بی‌اعتبار اعلام کنیم برای مجموعه ادارات مرتبط با املاک مانند ثبت، راه و شهرسازی، شهرداری، منابع طبیعی و حتی اوقاف

در دسر درست می‌شود و من فکر می‌کنم یک زمانی باید لحاظ شود. **الان بحث دو یا سه سال مطرح می‌شود که این زمان فرصت داده شود تا هر کسی که قولنامه عادی دارد آن را تبدیل به سند تک‌برگ کند، به نظر شما در این بازه زمانی می‌شود**

جوان

چندین میلیون مسک بدون سندى را که وجود دارد، سندهار کرد؟

تجربه ثابت کرده که معمولاً نمی‌شود و این زمان باید تمدید شود. ماده ۱۴۷ قدیم در مورد همین اسناد عادی بود و چند مرحله تمدید شده‌است؛ یعنی از سال ۶۵ چهار و پنج مرتبه تمدید شد و باز هم تمام نشد و بعد از آن مجبور شدند که یک قانونی به عنوان قانون تعیین تکلیف بدون مدت مصوب کنند برای آنهایی که سابقه ثبت ندارند. برای آنها که سابقه ثبت ندارند به نظر من مدت دو سال کم است و حداقل باید پنج سال زمان در نظر گرفته شود. مخصوصاً در مورد شهرهای کوچک و روستاها که املاک و اراضی آنها سند ندارد، لازم است زمانی در نظر گرفته‌شود تا به اهمیت موضوع پی ببرند و در جهت سنددار کردن املاک خود اقدام کنند.

آیا تعداد دفترخانه‌های که الان داریم و البته تعدادی هم قرار است به آنها اضافه شود برای اینکه بخواهیم از فردا اسناد عادی را بی اعتبار کنیم، کافی است؟

الان حدود ۸ تا ۹ هزار دفتر خانه در کل کشور داریم و اخیراً باز هم امتحان بر گزار شده و قرار است عده زیادی به آنها اضافه شود، بنابراین از پس مشکل برمی‌آیند.

یعنی اگر فردا اعلام شود قولنامه‌ها بی اعتبار است و باید معاملات ثبت شود، امکان آن وجود دارد؟

بله، این امکان هست و مشکلی هم ندارد.

در بخش پایانی این گفت وگوا با توجه به تجربه‌ای که شما دارید، می‌خواهیم کمی بحث مصدافی کنیم. با توجه به مشکلاتی که اسناد عادی رقم می‌زند، خاطر‌های مانند اتفاقی که برای فرودگاه مهر آباد پیش آمد، در خاطر شما هست؟

بله، همواره اسناد زیادی جهت ثبت مراجعه می‌شد که البته حق و حقوق افراد هم بود و باید بر اساس مقررات ثبت اسناد عادی با قانون تعیین یا براساس ماده ۱۴۷ سابق در مورد آنها رفتار می‌شد. از سوی دیگر امکان سواسنه‌اند هم وجود داشت، ممکن بود اسنادی که ارائه می‌شد، سند واقعی نباشد یا سند جعلی باشد که به هر حال در شهرهای بزرگی مانند تهران یا کرج و حتی شیراز باندهای جاعل و کلاهبردار بودند که در مورد اسناد عادی اقداماتی را انجام می‌دادند و البته دستگاه‌های نظارتی و حفاظت اطلاعاتی ورود می‌کردند و با آنها برخورد می‌شد و کسانی که حق و حقوقی داشتند، اگر اسنادشان عادی بود یا ثبت می‌شد یا از طریق ماده قانونی تعیین تکلیف یا ماده ۱۴۷ اقدام می‌شد و سند مالکیت برای مالک صادر می‌شد.

در شرایطی که افرادی با یکدیگر سبانی می‌کنند و به اسم اسناد عادی سعی می‌کنند حتی اسناد رسمی را هم تحت‌الشعاع قرار دهند، این اتفاقاتی که در مورد بی اعتباری اسناد عادی در حال رقم خوردن است، چقدر می‌تواند جلوی این تبانی‌ها و باندهای جاعل را بگیرد؟

باید شیوه‌نامه و دستورالعمل محکمی برای این کار در نظر و جلوی این تبانی و جعل اسناد گرفته‌شود. فقط نمی‌شود به یکباره اعلام کنیم که اسناد عادی اعتبار ندارد. خواه ناخواه افرادی که در این کار هستند برای جعل و کلاهبرداری اقداماتی انجام می‌دهند و همینطور با توجه به حجم زیاد کار کارشناسان ثبتی هم اگر مدت دو ساله فقط برای آنها در نظر گرفته‌شود، چون متأسفانه به شکل آمارى رسیدگی می‌کنند و نیاز به آمار دارند کیفیت راز دست می‌دهند، یعنی نظارت و دقت نظر کارشناس کم می‌شود و شاید عده‌ای نیز سواسنه‌استفاده کنند.

در مجموع نظر تان با توجه به قانونی که در مجمع تشخیص

مصلحت نظام در حال بررسی است، چیست؟

یکی اینکه مدت اجرای آن را باید طولانی‌تر کنند و دوم اینکه دستورالعمل شیوه‌نامه‌ای تنظیم شود که بر اساس قوانین موجود ثبتی و حقوقی بتواند این اسناد عادی موجود را تبدیل به سند رسمی کند و فقط به صرف ارائه کردن یک سند عادی و اینکه بگوید من این زمین را در تصرف دارم، نباشد. تلقی از قوانین ثبتی و حقوقی می‌تواند کمک کننده باشد.

پیشنهادی دارید که به چه روشی باید انجام شود؟

زمانی که تقاضای می‌شود حتماً باید با نقشه باشد و با توجه به سوابق ثبتی رسیدگی شود، یعنی با توجه به سوابق ثبتی موجود و پلاک‌گذاری رسیدگی شود و همینطور آگهی ملک با مدت کمتر مانند اینکه به جای سه ماه، یک ماهه یا چهل روزه باشد و بعد از آگهی سند مالکیت صادر شود.

استقلیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۹۸

تاکنون درباره لفظ «دوستی» اندیشیده‌اید؟

برخی محققان با موضوع «تأملی در مفهوم دوستی» به ۱۳ پدیده پرداخته‌اند که با وجود تفاوت به همه آنها دوستی می‌گوینم.

دوستی خداوند با خود یا دیگران. عشق همه اجزای هستی به یکدیگر. همکاری مردم در استخدام شخص، آرزمان یا هدف واحد. اشتراك منافع برای رسیدن به مطلوب.

دوستی خوئی یا غریزی آبدیبهی ترین دوستی‌ا. دوستی انزاری با افرادی که خبری به ما رسانده‌اند. معاشرت با کسانی که با ما ویژگی‌های مشترک دارند.

جمع بین همدلی و همدردی. نیکخواهی و امیدواری نسبت به صلاح دوستان. دوستی به مفهوم بر داشتن نقاب از چهره نزد دوست.

دوستی با کسی که برای ما در جهان بی‌همتا است. دوستی بدون منفعت؛ وقتی صرفاً بودن دوست مهم است و سرانجام عشقی به مفهوم دوستی در آمان‌ها!

چنین تنوعی در دوستی جالب نیست؟!

ادبیات

سعیده صفری / کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

چالش فمینیسم با علم و عقل

شاخه‌ای از فمینیست‌ها مدافع تساوی زن و مرد در همه زمینه‌ها هستند، اما مطالعات علمی مانند فیزیولوژی و روان‌شناسی نشان می‌دهد که تفاوت‌های بسیاری در جسم و جان زن و مرد وجود دارد که کار کردهای آن دور از هم متمایز می‌کند. هر حرکت برخلاف جریان طبیعت و فطرت انسان‌ها محکوم به شکست است. نیاز زن به عشق مادری و همسر داری که از درون او سرچشمه می‌گیرد، بدون پاسخ می‌ماند. علاوه بر اینکه افزایش فشار کار اقتصادی و رقابت با مردان، بیماری‌هایی را برای زنان به ارمغان می‌آورد. از پیامدهای سوء این اندیشه، ایجاد تقابل بین زن و مرد است؛ در حالی که دو جنس مرد و زن، مکمل یکدیگر و نیازمند به هم هستند. به جای دامن زدن به تنش و خشونت بین آنان و تأکید بر نگاه مردسالار یا زن سالار، باید روابطی سالم و متناسب با ساختار وجودی آنها و نیاز خانواده و جامعه برقرار کرد. شاهد بر این مدعا، ظهور جریان‌های ضدفمینیسم و افزایش خشونت در خانواده‌ها در دهه‌های اخیر است. فمینیسم به جای اینکه عامل اصلی تبعیض یا یعنی صفت ذخالتی و چهل را هدف قرار دهد، درس غلط دیگری به بشر ارائه داده‌است. مبارزه با خانواده‌هستی‌ها و گسترده‌ومدیریت مرد در خانه بدون ارائه مدل برتر، موجب شد استحکام خانه‌ها متزلزل شود و خانواده‌ها از هم بیاشد، اما طلاق فرونی گیرد، خانواده‌ها بدون سرپرست شوند، همسر آزاری زیادت برود، بچه‌های خیابانی و نامشروع زیاد شود، فرزندان از کنترل والدین خارج و از فضای گرم خانواده محروم شوند.

با حمله به جایگاه مادری و همسر داری و امر از دواج در جوامع و فحشا دانستن ازدواج قانونی از سوی برخی فمینیست‌ها، مانند رادیکال‌ها، متأسفانه زندگی‌های فردی، همجنس‌بازی بین مردان و زنان به طور جداگانه، تن ندادن به نظام از دواج، خانه و بچه‌داری و رواج روز افزون فحشا و التحاقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است. پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

پست انگاشتن نقش‌های زنانه مانند زایش و پرورش کودک و دعوت آنان به تشبه به مردان، علاوه بر پیامدهای بسیار وحشتناکی که به دنبال داشته و اثراتقات جنسی دامنگیر جوامع بشری شد. زن ابزار دست زورمندان و شهوت‌رانان و سیاست‌بازان عالم شد. نتیجه این جهالت بزرگ بشر، رستم هر چه بیشتر بر زنان -در درجه اول- و بر مردان -در درجه دوم- شد. برده‌داری و شکل‌های جدید ستم بر زنان، به مراتب زشت‌تر و فجیع‌تر از سابق است.

اداره کل پشتیبانی، خدمات فنی و رفاهی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

ردیف	سیستم	رنگ	شماره انتظامی	سال ساخت	شماره موتور
۱	سواری پژو پارس CNG—xu۷	مشکی متالیک	۱۴۴۹الف ۱۱۴ ایران ۲۲	۱۳۹۱	۱۲۴k۰۰۰۱۸۱۴
۲	سواری پژو پارس دو گانه سوز	مشکی متالیک	۱۶۱۵الف ۱۲۳ ایران ۲۲	۱۳۸۹	۱۲۴A۹۰۶۲۹۵۲
۳	سواری پژو پارس دو گانه سوز	نقره ای متالیک	۱۶۹۵الف ۱۱۹ ایران ۱۱	۱۳۸۹	۱۲۴A۹۰۵۸۹۲۳
۴	سواری سمند CNG—ef۷	مشکی متالیک	۱۷۶۶الف ۱۲۱ ایران ۳۳	۱۳۸۹	۱۲۴A۹۰۶۶۰۲۶
۵	سواری سمند CNG—ef۷	مشکی متالیک	۱۲۳۹الف ۱۲۳ ایران ۳۳	۱۳۹۱	۱۴۷H۰۰۰۵۲۰۲
۶	سواری سمندCNG—ef۷	مشکی متالیک	۱۲۴۱الف ۱۲۳ ایران ۳۳	۱۳۹۱	۱۴۷۹۱۰۱۰۶۳۲
۷	سواری سمند CNG—ef۷	مشکی متالیک	۱۲۴۴الف ۱۲۳ ایران ۳۳	۱۳۹۱	۱۴۷H۰۰۰۲۰۲۶
۸	سواری سمند CNG—ef۷	مشکی متالیک	۱۲۴۶الف ۱۲۳ ایران ۳۳	۱۳۹۱	۱۴۷H۰۰۰۶۷۴۰